



عنوان: فراتحلیلی بر مطالعات آموزش شغلی (کارآفرینانه) با تأکید بر مهارت‌های کارآفرینانه در ایران

زهرا محمدیان^{*}، حسین عبدالهی^۳، علی دلاور^۲، کمال سخدریان^۴

اطلاعات مربوط به
مقاله

چکیده

بیکاری نوجوان و جوانان و پیامدهای اجتماعی ناشی از آن در شرایط بحرانی کشور، آموزش شغلی کارآفرینانه را به عنوان یک موضوع مهم مطالعاتی، مورد نظر پژوهشگران رشته‌های مختلف قرار داده است. هدف این پژوهش ارزیابی تحقیقات و مطالعات انجام گرفته در حوزه آمورش کارآفرینانه در ایران است. این پژوهش برای اولین بار در ایران به شیوهٔ فراتحلیل انجام گرفت. هدف پژوهش حاضر، شناسایی روندهای حاکم و محتوای پژوهش‌های آموزش شغلی کارآفرینی، ارزیابی روش شناسی این پژوهش‌ها و تبیین چشم اندازی برای ارتقاء پژوهش‌های این حوزه است برای دستیابی به این اهداف، ۳۵ مقاله علمی-پژوهشی در زمینه آموزش شغلی کارآفرینی در حوزه رویکردهای کارآفرینانه در کشورمان با استفاده از روش فراتحلیل در شش گام بررسی شدند. یافته‌های پژوهش در چهار بخش سیمای کلی پژوهش‌های پیشین، یافته‌های مرتبط با روش شناسی پژوهش‌ها و یافته‌های رویکرد پژوهی، تبیین شده توزیع فراتحلیل، آموزش شغلی، جغرافیایی پژوهش‌ها و در انتهای، راه کارها و توصیه‌های ارائه شدند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تمرکز کارآفرینی، آموزش شغلی پژوهش‌ها بر برنامه‌ها و الگوهای کاربردی محدود بوده و بیشتر از منظر روش شناختی و محتوایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پژوهش‌ها بیشتر جنبه نظری داشته و برنامه‌های آموزشی و راهکارهای عملیاتی ارائه نداده‌اند. پرورش آموزش کاربردی کارآفرینی از طریق بومی سازی برنامه‌های شغلی کارآفرینی در سطوح نگرشی، راهبردی و عملیاتی کشورهای توسعه یافته مانند آلمان می‌تواند شاه کلید و راهکار اجرایی در زمینه کارآفرینی باشد.

۱. دانشجویی دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران mohamadian.net@gmail.com
۲. دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران Hosein_Abd@hotmail.com
۳. استاد ممتاز گروه مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران Delavarali@yahoo.com
۴. دانشیار گروه کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران kasakhdari@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از مهم ترین اهداف برای آموزش کارآفرینی در مدارس، دانشگاه ها و کارگاه ها، باریک شدن شکاف بین توانایی های عملی و مهارت های کارآفرینانه افراد می باشد. برنامه هایی که می توانند به ترویج و درک درستی از کارآفرینی پردازند، همچنین این آموزش ها و مهارت ها می توانند استعداد افراد را فعال کرده و سطح آگاهی های آنان را برای انتخاب شغل در آینده افزایش دهند. (اکبری، ۱۳۹۰).

اکت و ژرب (۲۰۱۶) پیشنهاد کردند که کارآفرینی باید از طریق آموزش های قبل از دوران دانشگاهی دنبال شود تا به عنوان یک مسیر شغلی مناسب مورد تشویق قرار گیرد. از این رو مراکز آموزشی ما باید بتوانند، با هدف آگاه نمودن و ترویج فرهنگ روحیه کارآفرینی در بین دانش آموزان، دانشجویان و داوطلبین شغل به وسیله برنامه های آموزشی ویژه از قبیل خلاقیت، توانایی شناخت و استفاده صحیح از فرصت ها، تمایل به مخاطره پذیری، استقلال و تعهد نسبت به کار و حل مشکلات، بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفرین شدن ارائه دهند. بهسازی و ارتقای سطح توانمندی های انسان ها و نظام اجتماعی از سیاست های اصلی و ماموریت های بایسته و شایسته یک نظام کارآمد و پویا محسوب می شود، همه بر این باورند که بزرگ ترین سرمایه هر کشور افراد جامعه می باشند و در واقع جوانان هر جامعه مهم ترین عامل دستیابی به اهداف آن جامعه به شمار می روند، در این میان نقش محیط آموزشی و برنامه های آموزشی شغلی در مدارس و دانشگاه ها غیر قابل انکار است (خاتمی و شاه حسینی، ۱۳۹۱).

ارگان آموزش و پرورش به عنوان مهم ترین نهاد آموزشی کشور، با تدوین راهبردها، خط مشی ها و برنامه های عملی-آموزشی به منظور ایجاد و گسترش مهارتها و رفتار کارآفرینانه و ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت کارآفرینان در بازار کار، به دنبال رفع موانع و ایجاد ارتباط و همکاری بین بخش های عرضه مهارت و بازار کار بوده است و برنامه های آموزشی و شغلی لازم را برای شروع فعالیت کارآفرینان فراهم کرده است (لندستروم و همکاران، ۲۰۱۷).

در ایران نیز با وجود اهمیت آموزش کارآفرینی در توسعه کشور، توجه سیاست گذاران به مقوله کارآفرینی عمری کوتاه دارد و از همین رو، ابزارها و سیاست های آموزش کارآفرینی آنگونه که شایسته است فرصت بلوغ نیافتند (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵). به تبعیت از آن، دانش آموزش شغلی کارآفرینانه نیز سابقه چندانی ندارد. هر چند در سالیان اخیر، توجه پژوهشگران به پژوهش در موضوعات مختلف مرتبط با آموزش کارآفرینی نشان از رشد تلاش های علمی پژوهشگران در این حوزه داشته است. علی رغم پژوهش های انجام شده، عدم تدوین و طراحی یک الگو یا برنامه مدون آموزش شغلی کارآفرینانه و پژوهش های پراکنده در این حوزه، برآیندهای متفاوتی در نوع مهارتها، سطوح آموزشی، ابزارهای آموزشی، بازیگران حوزه آموزش کارآفرینی، مخاطبان آموزش کارآفرینی ایجاد کرده است. در این شرایط، توجه و دقت نظر نسبت به عملکرد عرصه دانش و پژوهشی آموزش و پرورش عمده تر در موضوع برشمایری و احصاء مهارتها و مولفه های آموزش شغلی کارآفرینانه در این حوزه، مسئله اساسی است. با جستجوی در پژوهش های انجام گرفته در حوزه آموزش شغلی کارآفرینی می توان نتیجه گرفت که تمرکز و هسته اصلی این پژوهش ها، بر یافتن پاسخ به پرسش هایی بوده است که احصاء و شناسایی مولفه ها و مهارت های آموزش شغلی کارآفرینانه در این پژوهش ها را در بر داشته است. در این پژوهش سعی بر آن است تا با داشتن چشم اندازی بر این پژوهش ها به مواردی این چنین بپرداز.

- بررسی روند حاکم بر فرایند آموزش شغلی کارآفرینانه پیش و پس از انقلاب در آموزش و پرورش کشورمان.

- بررسی محتوای برنامه های آموزش شغلی کارآفرینانه مورد توجه پژوهشگران.

- بررسی روش شناسی، راهبردها و ابزارهای پژوهشی در این پژوهش ها.

- بررسی نوع دانش و الگوهای تولیدی در این حوزه.

- ارائه پیشنهادهای بهبود و محدودیت های حوزه آموزش شغلی کارآفرینانه.

برای بررسی این مقولات، پژوهش های مرتبط با آموزش شغلی و حرفة ای و کارآفرینی در کشورمان مورد مطالعه و مبنای قرار داده شد. و با استفاده از روش فراتحلیل و مرور سیستماتیک متون پژوهشی، روندها، محتوا، روش شناسی و دانش موجود بررسی و ارزیابی شده و در انتها نتیجه گیری و توصیه ها ارائه شد.

مبانی نظری

انتخاب های شغلی از مهم ترین تصمیم گیری هایی اند که مردم در طول زندگی اتخاذ می کنند (آنانسو و وان اسبورک، ۲۰۱۸). مهم ترین نهاد اجتماعی که به انتخاب های صحیح شغلی افراد کمک شایانی می کند نهاد آموزش و پرورش است. این نهاد مسئولیت مهمی در تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان بر عهده دارد. امروزه آموزش و پرورش بیشتر به شکل رسمی و سازمان یافته جریان دارد (پیراسته، ۱۳۹۴) و از این نهاد رسمی انتظار می رود پاسخگوی نیازهای جهان امروز ازجمله تورم، بیکاری، عدم توسعه یافتگی شغلی و حرفة ای و دیگر عوامل بازار کار و مارکتینگ باشد تا فارغ التحصیلان دبیرستان ها، دانشگاه ها و آموزشگاه ها بعد از فارغ التحصیلی، توانمندیها و مهارت‌های لازم را جهت احراز شغل مناسب با مهارت ها، و توانمندی های کارآفرینانه داشته باشند و بتوانند شغلی بیانند و یا بیافرینند.

از مسایل دوره متوسطه در حوزه آموزش و کارآفرینی، ضعف جنبه های کاربردی و عملی برنامه های این دوره است. که با اجرای طرح های گوناگون ناموفق مانده است. برخلاف دیدگاه اجتماعی گذشته و موجود، این دوره نباید صرفاً مقدمه تحصیلات عالی تلقی شود، بلکه باید به گونه ای طراحی شود که پس از این مقطع تحصیلی، درصد متناسبی از فارغ التحصیلان، بتوانند روانه بازار کار و اشتغال شوند. این امر زمانی میسر خواهد شد که بیش از پیش دانش آموزان با واقعیت‌های ملموس دنیای اشتغال و با فعالیت های کارآفرینانه و مولد در برنامه های آموزشی آشنا شوند و آموزش های شغلی لازم را بیینند. (آقامحمدی، ۱۳۹۸) از طرفی دانش آموزان متوسطه نظری، هنگام فراغت از تحصیل دیلیم ممکن است، قصد ادامه تحصیل در دانشگاه را نداشته و درصد یافتن شغل باشد که البته و نسبت به دانش آموزان رشته فنی و حرفة ای، مهارت‌ها و آموزش‌های لازم در خصوص فعالیت های موفق اشتغال یا کارآفرینی را نیز جهت ورود به بازار کار در مدارس را نیاموخته اند (چهاربند، ۱۳۹۱). بنابراین مختصات آموزشی نیاز به یک برنامه جامع آموزش شغلی مبتنی بر مولفه های کارآفرینانه را دو چندان دریافته اند. اگرچه در دو دهه گذشته تحولات قابل توجهی در ساختار و عملکرد سیستم آموزشی متوسطه و دانشگاهی ایران صورت گرفته است، و موضوع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور ما نیز مطرح شده است؛ ولی نتایج مطالعات نشان می دهد که هنوز مشکلات زیادی در آموزش کارآفرینی وجود دارد. (حقیقی، محمودی و بیژنی، ۲۰۱۸). و در حوزه برنامه اموزشی، مولفه های کارآفرینی دانش آموزان، پژوهش های متعدد و پراکنده ای انجام شده است که حوزه های آموزش کارآفرینی و مهارت‌های کارآفرینی را مورد بررسی قرار داده اند. در اینجا فراتحلیلی مروری بر آنچه که گزینی بر جنبه های مختلف آموزش شغلی، مهارت‌ها و مولفه های کارآفرینی است انجام خواهد شد.

برای اولین بار کارآفرینی^۱ در تئوری های اقتصاد و سپس در مدارس مطرح شد (مرتضوی و بهرامی، ۲۰۱۲). از نظر حکمت اندیش (۱۳۹۳) کارآفرینی فرآیند خلق چیز جدید و ارزشمندی است که با اختصاص زمان و تلاش لازم و درنظر گرفتن مخاطرات مالی، روانی و اجتماعی و با ارضای نیازهای فردی و مالی توأم با استقلال تحقق می یابد. بر اساس نتایج مطالعه پترونیت و الیناتی^۲ (۲۰۱۹) می توان به چنین واقعیتی اذعان داشت که کارآفرینی به عنوان یک زمینه تحقیقاتی پویا به سرعت در حال رشد بوده و دارای سنت فکری دیرینه ای می باشد که کارآفرینی را با نوآوری، رشد اقتصادی، ریسک و عدم اطمینان همراه دانسته اند.

آموزش کارآفرینی فرآیندی برای آماده کردن دانش آموزان و افراد با توانایی شناخت فرست های تجاری، عزت نفس، انگیزه^۳، دانش، مهارت و بیش برای عمل کردن در آنهاست تا در محیط های مختلف، نگرش کارآفرینانه آنها را تقویت کند (اولو گبولا، ۲۰۱۷، ۳). امروزه آموزش کارآفرینی در سطح جهانی به عنوان نوعی ابتکار عمل جمعی در دانشگاه ها، دانشکده ها، مدارس فنی و حرفة ای، دبیرستان ها و مدارس ابتدایی توصیف می گردد که همگی جهت توسعه ظرفیت کارآفرینانه دانش آموزان هدف گذاری می شوند (جونز، ۲۰۱۹).

تا نیمه دوم قرن ۱۹ مفهوم کارآفرینی با ریسک پذیری و اشتغال عوامل تولید همراه بود. اما پس از پایان قرن ۱۹ و در آغاز قرن ۲۰ درک این مفهوم تا حد زیادی گسترش یافت. یک کارآفرین یک مدیر کسب و کار با توانایی های ویژه و یک شخصیت خالق و

¹. Entrepreneurship

². Petronyte & Ulbinaite

³. Olugbola

مبتكراست. ابتکار عمل نیروی محركه تولید است که با تلاش درگیر و توانایی کارآفرین انجام می‌شود و منجر به سود و ضرر می‌گردد. از لحاظ تاریخی مفهوم کارآفرینی اساساً رشد کرده است. به گفته مارشال^۱ توانایی‌های خاص یک فرد در اجرای یک کسب و کار، که از پدر و مادر خود به ارث برده، گرفته می‌شود (بیکسا، ۲۰۱۴).

علی‌رغم اینکه در کشورهای پیشرونه دنیا از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد به موضوع کارآفرینی توجه جدی شده و حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هم از اواخر دهه ۱۹۸۰ این موضوع را مورد توجه قرار داده اند، در کشور ایران تا شروع اجرای برنامه سوم توسعه، توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود. حتی در مخالف علمی و دانشگاهی نیز به جز موارد بسیار نادر، فعالیتی در این زمینه صورت نگرفته بود. مشکل بیکاری و پیش‌بینی حادتر شدن آن در دهه ۱۳۸۰ موجب شد که در زمان تدوین برنامه سوم توسعه، موضوع توسعه کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد. در برنامه اخیر، توسعه کارآفرینی در سطح وزارت خانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن و فلزات و همچنین مؤسسه جهاد دانشگاهی به دلیل ارتباط با فعالیت‌های آنها، مطرح شده است. متاسفانه واژه کارآفرینی موجب شد که معنی ایجاد کار و یا اشتغال‌زایی از این واژه استنباط شود.

کارآفرینی مفهومی وسیع‌تر و با ارزش‌تر از اشتغال‌زایی دارد. ربط دادن کارآفرینی به اشتغال‌زایی و همچنین توم نیروی انسانی بیکار در جامعه (به ویژه در بین دانش‌آموختگان)، موجب شده بسیاری از سیاست‌هایی که برای توسعه آن اتخاذ شده و نیز در بخشنامه‌ها و سخنرانی‌های مسئولان در این خصوص، صرفاً جنبه اشتغال‌زایی برای آن در نظر گرفته شود. در حالی که کارآفرینی دارای پیامدهای مثبت و مهم دیگری مانند: بارور شدن خلاقیت‌ها، ترغیب به نوآوری و توسعه آن، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد و توسعه تکنولوژی، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی است و در صورتی که فقط به جنبه اشتغال‌زایی آن توجه شود، از سایر پیامدهای آن بی‌بهره خواهیم ماند (احمدپور داریانی، ۱۳۹۳).

آموزش شغلی کارآفرینانه، می‌تواند کارآفرینی را به عنوان ایجاد کننده یک جایگاه شغلی پایدار در آینده شغلی افراد تبیین کند و فرهنگ کارآفرینی را در میان آنان توسعه دهد (کرکلای، ۲۰۱۷). اگرچه در دو دهه گذشته تحولات قابل توجهی در ساختار و عملکرد سیستم آموزشی ایران صورت گرفته است، و موضوع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور ما نیز مطرح شد؛ ولی نتایج مطالعات نشان می‌دهد که هنوز مشکلات زیادی در آموزش کارآفرینی وجود دارد از جمله: پایین بودن میزان سرمایه گذاری برای آموزش کارآفرینی، عدم توجه به ابعاد مختلف توسعه و آموزش کارآفرینی، توجه کم به آموزش عملی، عدم تطابق محتوای برنامه های درسی با شرایط و نیازهای بازار کار و همچنین عدم توانایی در ایجاد کار به وسیله فارغ التحصیلان (حقیقی، محمودی و بیژنی، ۲۰۱۸). لذا درباره شکاف بین توانایی‌های عملی و مهارت‌های کارآفرینی افراد، توجه به این نکته ضروری است که به صرف گذراندن دوره های آموزش کارآفرینی، فرد مهارت‌های شغلی کارآفرینانه را کسب نخواهد کرد و یک کارآفرین نخواهد شد، بلکه باید مولفه‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه به کسب و کار نیز داشته باشد. (شوال، ۲۰۱۴).

آموزش شغلی در ایران، تاکنون فراز و نشیب هایی داشته است که با نگاهی گذرا به آن میتوان سیر تحول آن را بررسی کرد. اولین برنامه جدی آموزش شغلی با کنفرانس ملی کار قبل در سال ۱۳۳۸ شروع شد که به مسئله افزایش فرصت‌های شغلی، آموزش مهارت‌های اولیه شغلی و شرایط مناسب برای اشتغال بیشتر و کاهش بیکاری در جامعه، توجه شده بود. (سلجوچی، ۱۳۹۲) و در سال ۱۳۶۰ با عنوان طرح تلفیق کار و دانش و اندیشه پیوند «علم و عمل» مجدداً جهت آموزش شغلی مطرح شد که نخستین گام برای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش بود ولی به دلایلی طرح مناسب نبود و لغو شد. (طرح کاد، ۱۳۶۳)، بعد از تعطیلی طرح کاد، با تغییر نام اصلاحاتی در آن انجام شد و به نام «طرح کاج» در سال ۱۳۸۹، تغییر یافت که با هدف آموزش مباحث کارآفرینی پیش از انتخاب رشته دانشگاهی به دانش آموزان در تهران اجرا شد. این طرح برای دانش آموزان دوره دوم متوسطه بود و دانش آموزان در طول این دوره ها با مفاهیم کارآفرینی و

^۱. Marshal

^۲. Kirkley

کسب و کار، خلاقیت و شناخت فرست، نوشتار طرح کسب و کار در شش رشته آشنا می‌شوند. (مرادی، ۱۳۹۰). با تکمیل طرح‌های قبلی، طرح کاشف و طرح اتفاق کارآفرینی مدارس بوجود امدند که این دو نیز نتوانستند کاستی‌های آموزش شغلی در راستای یافتن مهارت‌های و مولفه‌های کارآفرینانه را مرتفع طرح حهایی که همچنان نتوانستند، پلی بین مدرسه‌ها، کارفرمایان و محیط کار ایجاد کنند و عملتاً تاکنون روی کاغذ باقی مانده و اجرایی نشده‌اند. که البته این ناشی از اختلال در تعامل میان سه ضلع مثلث سیاست، پژوهش، و عملکرد حرفه‌ای بوده و ایجاد توانایی و مهارت دانش آموختگان در کارآفرینی و کارجویی را ناکام گذاشته است.

در تاریخچه آموزش شغلی، آموزش و تربیت شغلی ۱ همیشه بعنوان یک راه حل، برای ارتقاء فرستهای شغلی جوانان بیکاری که در داشتن مهارت و توانمندی و انگیزه برای یافتن یا ادامه شغل، کمبود داشته‌اند، محسوب می‌شده است. (زیمرمن، ۲۰۱۳). از طرف دیگر، سازمانها برای تجدید ساختار خود، ایجاد فرایندهای جدید، تطابق با تغییرات محیطی و فرایندهایی که ساختارها و محصولات را بروز نگه دارد، نیاز به افراد ماهر و نیمه ماهر دارد و اگر نتواند چنین افرادی را استخدام کنند بعد از مدتی به حالت سکون و عدم تعادل برگشت داده و در نهایت قادر به ادامه حیات خود نخواهد شد. به دلیل اهمیت داشتن این پدیده، بیشترین توجه‌ها و تلاش‌ها برای داشتن کارآفرینی و اشتغال همچنان بعنوان موضوعات اصلی در برنامه شغلی مدارس و سازمانها کجانده شود، زیرا این دو، افراد را برای داشتن شغل خود بعد از اتمام تحصیلات و گسترش دانش و توانایی خود درخصوص شغل آینده تحریک خواهد کرد. (ساسکیا، ۲۰۰۸). همینطور آموزش‌های شغلی نقش مهمی در بهبود سرمایه انسانی و ترسیم مسیر برای کشورها بازی می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه، آموزش‌های شغلی یکی از بخش‌های آموزشی است که اولویت بسیار کمتری در فرمول بندی سیاستی، تأمین بودجه و نظارت نسبت به سایر بخش‌ها مانند آموزش پایه به آن داده شده است فوتی و مافسا (۲۰۰۷)، که اشاره کرد که آموزش و کاراموزی شغلی نقش مهمی در نواروری سازمانی و معرفی نواوری جدید دارد.

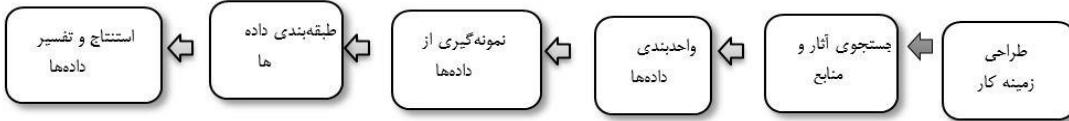
روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع فراتحلیل است. در این پژوهش ابتدا با استفاده از کلید واژه‌های کارآفرینی، برنامه شغلی، خلاقیت، شغل، آموزش شغلی، کارآفرین و نظریه اینها در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی آی اس سی، پاب‌مد، سایک اینفو، گوگل اسکالار، اریک، مدلاین، ای اس ای، اس آی دی، مگ ایران، ایران داک، ایران مدرس، ایران سایک^۱، ریک، ایراست ۱۲، سایک آرتبیکلز، اس سی آی / اس سی آی ها و موتورهای جستجوی گوناگون به یافتن و جمع آوری تمام مقاله‌های منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی، خلاصه مقالات همایش‌ها، نتایج پژوهش‌های کشوری و استانی، پایان نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری که به بررسی آموزش شغلی و کارآفرینی در ایران پرداخته بودند اقدام شد. همچنین برای یافتن پایان نامه‌های کارشناسی ارشد، دکتری و دکترای حرفه‌ای که گزارش پژوهشی آنها به صورت مقاله چاپ نشده بود به دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی مراجعه شد. بدین ترتیب تمامی پژوهش‌های انجام شده در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ گرد آوری شدند.

در این تحقیق از روش فراتحلیل استفاده شده است. هدف فراتحلیل، ایجاد پیوستگی و انسجام بین نتایج پژوهش‌های مختلف در یک زمینه خاص است. در این روش با ترکیب پژوهش‌های پیشین و یکدست سازی آنها با استفاده از روش‌های آماری، نتایج برآکنده و ناهمانگ این پژوهش‌ها دقیقت و منطقی تر می‌گردد. (سکستون؛ ۲۰۰۶ به نقل از نادری، ۱۳۹۵). در روش فراتحلیل همانند روش‌های هرمنوتیک، پدیدار شناختی و توجه به نگاه تفسیری-تحلیلی و مقاومیت، حائز اهمیت است. عموماً فراتحلیل را به عنوان روشی کمی می‌شناسند اما رویکرد کیفی به فراتحلیل و نمایان سازی مولفه‌ها و مقاومیت محتوایی مسئله مورد پژوهش، قابلیت قرار گرفتن این روش در زمرة روش‌های کیفی را دارد (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵). بنابراین پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های کیفی است که هدف آن، ترکیب نتایج مطالعات انجام شده و به دست آوردن نتایج جدید است. همچنانکه به نظر شان (۲۰۰۸) هدف اصلی فراتحلیل، تفسیر داده‌ها برای توسعه مقاومیت و شناسایی تم‌های مهم تحقیقات پیشین است.

^۱.Occupational education and training

در این پژوهش از فرآیند فراتحلیل که توسط کریپندورف تدوین شده است، در گام اول، زمینه کار (تعیین محبط پژوهش و متداوله) طراحی شده، سپس در گام دوم، آثار و منابع جست وجو می شوند. در گام سوم محقق به واحد بنده داده ها (مضامین، پیام های مهم، واژگان و ...) می پردازد و در گام چهارم، نمونه گیری از داده ها (نکات مهم متن) انجام شده و داده های لازم برای گام پنجم به منظور تقلیل داده ها و تنزل آنها به چند گونه طبقه استخراج می شوند. در گام پایانی نیز استنتاج و تفسیر داده ها صورت می گیرد.



شکل ۱. فرآیند پیش بینی شده برای انجام تحقیق با روش فراتحلیل (کریپندورف، ۲۰۰۳)

برای اجرای فرآیند مذکور، ابتدا زمینه کار با بررسی ادبیات موضوع در حوزه آموزش شغلی کار آفرینانه از طریق مطالعه اسناد آغاز شد و با تکیه بر مفاهیم نظری مرتبط، آثار و منابع مرتبط جست وجو و بررسی شدند. برای فراتحلیل مطالعات آموزش شغلی کار آفرینانه در ایران، ۳۵ پژوهش های منتشر شده در قالب مقالات گردآوری شدند.

نمونه گیری به صورت تمام شماری انجام شده و در مجموع ۳۵ مقاله که ارتباط مستقیمی با موضوع داشتند، شناسایی، کدگذاری و تحلیل شدند. در این پژوهش محقق از رویکرد فراتحلیل استقرایی (حرکت از جزء به کل) برای ساماندهی داده ها استفاده کرده است. برای تقلیل داده ها و طبقه بنده آنها، چارچوب تحلیلی در سه محور کلی (یافته های توصیفی، یافته های مرتبط با روش شناسی پژوهش ها و یافته های رویکردی) و در مجموع در قالب ۲۵ مقوله تحلیلی، طراحی شد. در نهایت، داده های پژوهش در فرآیندی اکتشافی، تحلیل و تفسیر شده و نتایج ارائه شدند.

اعتبار سنجی (روایی و پایایی) این پژوهش از حیث روش تحقیق و نتایج حاصل شده به روش های متعددی بررسی شد. نخست آنکه در انتخاب آثار، طیف وسیعی از یافته های مطالعات قبلی در کانون توجه قرار گرفت نه طیف محدودی از آنها. بدین نحو که در مقالات، ترکیبی از نظرها و دیدگاه های مختلف، ملاحظه وارد آثار منتخب شد و فهرست آثار انتخاب شده از نظر علمی بودن، بررسی و آثار غیر مهم یا ژورنالیستی و ضعیف حذف شدند. همچنین از آنجا که در این پژوهش اجزاء و عناصر پیشنهادی در تحقیقات پیشین تحلیل و تفسیر شده است، بنابراین استفاده از نتایج تحقیقات پیشین که روایی آنها قبلاً تایید شده است، خود به روایی بیشتر منجر می گردد.

برای تامین پایایی یافته های تحقیق، وجود یک طرح اجرایی و روش نظام مند برای تحقیقات کیفی، تا حد زیادی مشکلات ناشی از عدم پایایی یافته ها را کاهش می دهد. طرح اجرایی، تدبیر یا شیوه اجرایی برای بالایدن درجه پایایی است و هدف آن، هدایت و راهنمایی پژوهشگر در طول تحقیق است (فایول، ۲۰۱۳) از آنجا که فرآیند پیش بینی برای انجام این پژوهش، گام های مشخص و از پیش تعیین شده ای داشته است، به صورتی کاملاً نظام مند و ساختار یافته اجرا شده و در تمامی مرحله از روشی مكتوب و منسجم استفاده شده است. بنابراین پایایی لازم برای نتایج محقق گشته است. همچنین خود بازبینی پژوهشگر در فرآیند گردآوری و تحلیل داده ها، از دیگر روش ها برای افزایش قابلیت پایایی پژوهش است (اکت، ۲۰۱۶). در گام های مختلف تحقیق این موضوع حمایت شده است.

یافته ها و تجزیه و تحلیل داده ها

یافته های این پژوهش جهت ارزیابی فراتحلیل مطالعات آموزش شغلی کار آفرینانه در ایران در قالب سه بخش به تفکیک ارائه شده است. همچنین در هر یک از بخش ها، نحوه تحلیل، ارزیابی و دسته بنده مطالب به تفصیل تشریح شده است.

الف: یافته های توصیفی (سیمای کلی پژوهش های پیشین)

موضوع اول، به ارائه یافته های توصیفی اختصاص دارد. در این بخش، محتوای عمومی و اطلاعات کلی پژوهش های آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر سال انجام پژوهش، محورهای موضوعی و ... بررسی شدند که نتایج آن به شرح جداول ۱ و ۲ و شکل ۲ است.

جدول ۱. توزیع وضعیت آثار بر حسب سال انجام پژوهش، جنسیت و تعداد پژوهش گران

درصد	فراوانی	تعداد محقق	درصد	فراوانی	جنسیت	درصد	فراوانی	سال پژوهش
%۲۰	۷	فردی	% ۹	۳	زن	% ۶	۲	۱۳۸۸-۱۳۹۰
%۲۵	۹	دو نفر	%۴۳	۱۵	مرد	% ۵۲	۱۸	۱۳۹۱-۱۳۹۶
%۲۸	۱۰	سه نفر						
%۲۵	۹	چهار نفر و بیشتر	%۴۸	۱۷	ترکیبی	%۴۲	۱۵	۱۳۹۷-۱۴۰۱
%۱۰۰	۳۵	جمع کل	%۱۰۰	۳۵	جمع کل	%۱۰۰	۳۵	جمع کل

آنگونه که از جدول ۱ مشخص است، تا پیش از سال ۱۳۸۸ مقاله ای در حوزه آموزش شغلی و کارآفرینی به صورت رسمی و در مجله معتبر، چاپ و منتشر نشده است و بیشتر پژوهش های این حوزه در سالیان اخیر انجام شده است. این روند رو به رشد، نشان از درک اهمیت موضوع آموزش شغلی و کارآفرینی در سال های اخیر دارد. ضمن آنکه تاکنون، برنامه های متعددی از سوی نهادهای مختلف و آموزش و پرورش برای کارآفرینی در کشور، تنظیم و ابلاغ شده و نیاز به پژوهش هایی برای ارزیابی و تحلیل این آموزش ها بیش از قبل احساس می شود.

از نظر جنسیت پژوهشگران، جدول ۱ گویای حضور بسیار کمتر زنان در این عرصه پژوهشی است. و همچنین در انجام این پژوهش ها، تحقیقات گروهی بیشتر به چشم می خورد و تنها ۲۰ درصد از تحقیقات به صورت فردی انجام شده است که منطبق با ماهیت مشارکتی پژوهش و تحقیق در حوزه آموزش شغلی و کارآفرینی است.

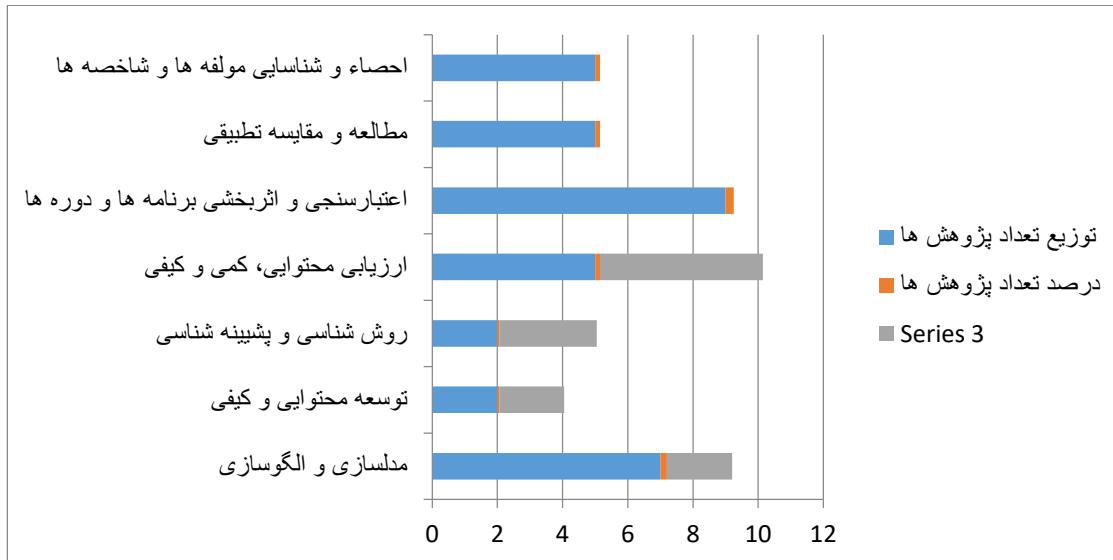
موضوع دوم، حوزه تخصصی پژوهش گران و محققین حوزه آموزش شغلی و کارآفرینی است. از منظر نویسندها آثار، پژوهش گران رشته مدیریت آموزشی (زیرگرایش رشته علوم تربیتی) با ۲۷ درصد در رتبه اول، پس از آن محققین کارآفرینی (۱۹۱ درصد) و برنامه ریزی درسی (۱۱ درصد) و سپس، سایر رشته ها قرار دارند. نکته قابل توجه در این بخش از پژوهش، تنوع رشته های پژوهشی در حوزه مطالعات کارآفرینی است که تاییدی بر میان رشته ای بودن این حوزه پژوهشی و توجه رشته هایی نظری مهندسی کشاورزی و فناوری به این مقوله است (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع وضعیت نویسندها آثار بر حسب رشته تحصیلی پژوهشگران

رشته تحصیلی آموزشی	کارآفرینی	برنامه ریزی درسی	مهندسی کشاورزی و فناوری	مشاوره اقتصاد و حسابداری	جهانگردی و علوم	مدیریت اجتماعی و آمار	مدیریت و برنامه ریزی عالی آموزش	جمع کل
۲۱	۱۹	۱۱	۹	۸	۵	۴	۳	۸۰

%۱۰۰	%۴	%۵	%۶	%۱۰	%۱۱	%۱۴	%۲۴	%۳۷	درصد
------	----	----	----	-----	-----	-----	-----	-----	------

از نظر موضوعات محوری و مبانی نظری، پژوهش‌ها به ۷ گروه قابل تفکیک است. تعداد پژوهش‌های مرتبط با هر محور به شرح شکل ۲ است. بیشترین فراوانی مربوط به پژوهش‌های مرتبط با اعتبارسنجی و اثربخشی برنامه‌ها و دوره‌های آموزش شغلی کارآفرینانه بوده است. سایر محورهای نظری در شکل مشخص است.

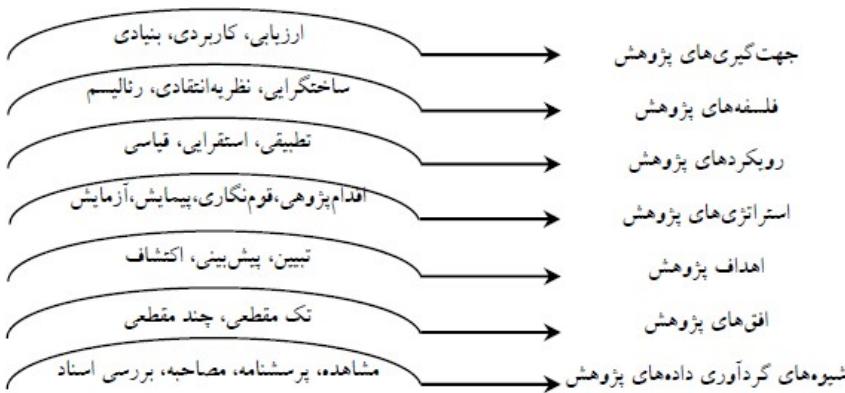


شکل ۲. توزیع پژوهش‌های آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر موضوعات محوری و هسته پژوهشی

در یک نگاه کلی به شکل فوق، می‌توان تمامی ۷ محور شناسایی شده در پژوهش‌های مرتبط با آموزش کارآفرینی را درسه دسته کلی طبقه‌بندی کرد.

دسته اول به پژوهش‌های اختصاص دارد که هدف از انجام آنها، الگوسازی و مدلسازی برنامه‌ها دوره‌های آموزش شغلی کارآفرینانه می‌باشد که عمدها به دنبال ایجاد و طراحی الگوهای نوین و کارآمد در بخش‌های آموزشی و دانشگاهی می‌باشد. دسته دوم به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که هدف از انجام آنها، ارزیابی، اعتبارسنجی و اثربخشی برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی شغلی کارآفرینانه در متن سیستم آموزش رسمی و غیر رسمی است. نهایتاً دسته سوم به توسعه دانش و احصاء و شناسایی مولفه‌ها و شاخصه‌های آموزش شغلی کارآفرینانه اختصاص دارد.

در بخش دوم، پژوهش‌های آموزش شغلی کارآفرینانه با توجه به روش شناسی انجام پژوهش تحلیل می‌شوند. از آنجا که پژوهش‌ها از نظر ماهیت موضوع، سوالات و اهداف، عوامل و متغیرهای موثر بر مولفه‌ها، شاخصه‌ها و ... با یکدیگر متفاوتند، بدیهی است که پارادایم، استراتژی و روش تحقیق متناسب و خاص خود را داشته باشند. فراتحلیل انجام گرفته در این بخش، می‌تواند بر چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات است که اصطلاحاً به پیاز پژوهش معروف بوده و توسط ساندرز و همکاران (۲۰۰۹) ارائه شده است.



شکل ۳. پیاز فرایند پژوهش (اقتباس از دانایی فرد و همکاران. ۱۳۹۴)

با توجه به چارچوب تحلیل ارائه شده در شکل ۳. سطح اول تحلیل روش شناسی به ارزیابی جهت گیری پژوهش‌ها اختصاص دارد که شامل تحقیقات کاربردی، بنیادی، توسعه‌ای و ارزیابی ارزشیابی) و ترکیبی (ترکیبی از متدها) می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد ۳۷ درصد از مطالعات انجام شده در حوزه آموزش کارآفرینی از نوع پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. پس از آن پژوهش‌های توسعه‌ای و ترکیبی هر کدام با ۲۳ و ۲۸ درصد و در انتهای پژوهش‌های بنیادی و ارزشیابی با ۶ درصد قرار دارند.

جدول ۳. توزیع وضعیت آثار بر حسب جهت گیری پژوهش

جهت گیری پژوهش	کاربردی	توسعه‌ای	بنیادی	ارزشیابی	ترکیبی	جمع کل
فراوانی	۱۳	۸	۲	۲	۱۰	۳۵
درصد	٪ ۳۷	٪ ۲۳	٪ ۶	٪ ۶	٪ ۲۸	٪ ۱۰۰

سطح دوم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی فلسفه‌پژوهش‌ها اختصاص دارد با توجه به جدول ۴، پژوهش‌هایی که تحت فلسفه ساخت گرایی انجام شده‌اند، بیشترین تعداد تحقیقات را به خود اختصاص داده و در رتبه بعد، پژوهش‌های اثبات گرایی قرار دارد. پژوهش‌های انتقادی و فرا اثبات گرایی نیز در رتبه‌های بعدی می‌باشند.

جدول ۴. توزیع وضعیت آثار بر حسب فلسفه پژوهش

فلسفه پژوهش	ساختگرایی-تفسیری	اثبات گرایی	انتقادی	فرایبات گرایی	جمع کل
فراوانی	۱۳	۱۲	۶	۴	۳۵
درصد	٪ ۳۷	٪ ۳۴	٪ ۱۷	٪ ۱۱	٪ ۱۰۰

سطح سوم چارچوب تحلیل روش شناسی به ارزیابی رویکردهای پژوهشی مرتبط است. با توجه به جدول ۵ بیشترین رویکرد استفاده شده در پژوهش‌ها به رویکرد استقرایی-قیاسی اختصاص دارد و پس از آن، رویکردهای استقرایی، تطبیقی و قیاسی قرار دارند.

جدول ۵. توزیع آثار بر حسب رویکردهای پژوهش

جمع کل	قیاسی	طبیقی	استقرایی	- استقرایی قیاسی	رویکردهای پژوهش
۳۵	۲	۵	۱۳	۱۵	فراوانی
%۱۰۰	%۶	%۱۴	%۳۷	%۴۳	درصد

سطح چهارم چارچوب تحلیل روش شناسی، ارزیابی روش پژوهش است که شامل تحقیقات کمی، کیفی و آمیخته است (جدول ۶). نتایج نشان می دهد بیشتر پژوهش ها از نوع کمی، پس از آن، پژوهش های کیفی و در نهایت پژوهش هایی قرار دارند که با روش آمیخته انجام شده اند.

جدول ۶. توزیع وضعیت آثار بر حسب روش پژوهش

جمع کل	آمیخته و ترکیبی	کیفی و تحلیلی	کمی و توصیفی	روش پژوهش
۳۵	۷	۱۳	۱۵	فراوانی
%۱۰۰	۲۰	%۳۷	%۴۳	درصد

سطح پنجم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات، تحلیل استراتژی پژوهش است که شامل مطالعه موردنی، اقدام پژوهی، قوم نگاری، تاریخی، داده بیاد، تجربی و آزمایشی، همبستگی و پیمایش می شود (جدول ۷). یافته ها نشان می دهد که در پژوهش های آموزش کارآفرینی بیشتر از روش پیمایش استفاده شده و پس از آن، روش های داده، همبستگی، مطالعه موردنی و آزمایش استفاده شده است.

جدل ۷. توزیع وضعیت آثار بر حسب استراتژی پژوهش

جمع کل	سایر موارد	اقدام پژوهی	داده بنیاد	آزمایش	مطالعه موردنی	همبستگی	پیمایش	استراتژی پژوهش
۳۵	۳	۲	۵	۵	۶	۶	۸	فراوانی
%۱۰۰	%۸	%۶	%۱۴	%۱۴	%۱۷	%۱۷	%۲۳	درصد

سطح ششم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات، اهداف پژوهش را بررسی می کند. همانطور که در جدول ۸ مشخص است، بیشتر پژوهش ها با هدف توصیف و اکتشاف شرایط انجام شده و سپس اهداف تبیین و پیش بینی، توصیف و اکتشاف قرار دارند.

جدول ۸. توزیع وضعیت آثار بر حسب اهداف پژوهش

اجهاد پژوهش	تصویفی - اکتشافی	تبیین و پیش‌بینی	توصیف	اکتشاف	جمع کل
فراآنی	۱۵	۹	۹	۲	۳۵
درصد	%۴۳	%۲۶	%۲۶	%۵	%۱۰۰

سطح هفتم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی افق پژوهش اختصاص دارد. در مجموع پژوهش‌ها در افق‌های پژوهشی تک مقطعی و یا چند مقطعی انجام می‌شوند (جدول ۱). یافته‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های حوزه آموزش کارآفرینی تماماً در افق تک مقطعی انجام شده و تحقیقاتی در افق پژوهشی چند مقطعی صورت نگرفته و در طول زمان به انجام نرسیده است.

جدول ۹. توزیع وضعیت آثار بر اساس افق پژوهش

افق پژوهش	تک مقطعی	چند مقطعی	جمع کل
فراآنی	۳۵	۰	۳۵
درصد	%۱۰۰	%۰	%۱۰۰

سطح هشتم از چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی شیوه‌های گردآوری داده‌های پژوهشی اختصاص دارد که نتایج آن به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۰. توزیع وضعیت آثار بر حسب شیوه گردآوری داده‌ها

شیوه گردآوری داده‌ها	بررسی استناد و مدارک	ترکیب روشها	پرسشنامه	مصاحبه	جمع کل
فراآنی	۱۴	۱۱	۸	۲	۳۵
درصد	۴۰	۳۱	۲۳	۶	%۱۰۰

نهمین سطح از چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی شیوه‌های گردآوری داده‌های پژوهشی اختصاص دارد که نتایج آن به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۱. توزیع وضعیت آثار بر حسب شیوه‌های گردآوری داده‌های پژوهش

شیوه گردآوری داده‌ها	بررسی استناد و مدارک	ترکیب روشها	پرسشنامه	مصاحبه	جمع کل
فراآنی	۱۴	۱۱	۸	۲	۳۵
درصد	۷۴	%۳۱	%۲۳	%۵	%۱۰۰

دهمین سطح از چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به شهر یا استان محل انجام پژوهش پرداخته است. جدول ۱۱ نشان میدهد ۵۷ درصد از تحقیقات صوت پذیرفته در استان تهران صورت پذیرفته است و سهم دیگر استاها فقط ۴۳ درصد بوده است. نتیجتاً تمرکز اصلی پژوهش ها در استان تهران بوده است.

جدول ۱۲. توزیع وضعیت آثار بر حسب شهر یا استان محل انجام پژوهش

استان محل انجام پژوهش	تهران	دیگر استان ها	جمع کل
فرابانی	۲۰	۱۵	۳۵
درصد	٪۵۷	٪۴۳	٪۱۰۰

یازدهمین و آخرین سطح نیز به توزیع وضعیت نوع دانشگاه ها (دولتی، آزاد، پیام نور، غیرانتفاعی و دیگر انواع دانشگاه ها پرداخته است. توزیع جدول نشان دهنده بازده بالای تحقیقاتی دانشگاه های دولتی با نرخ ۶۳ درصدی نسبت به سایر انواع دانشگاه هاست. دانشگاه آزاد در دومین رتبه بازدهی تحقیقاتی با نرخ ۲۶ درصد نسبت به پیام نور و سایر است.

جدول ۱۳. توزیع وضعیت آثار بر حسب نوع دانشگاه های انجام دهنده پژوهش.

نوع دانشگاه پذیرنده دانشجو	دولتی	آزاد	پیام نور	دیگر انواع دانشگاه ها	جمع کل
فرابانی	۲۲	۹	۲	۲	۳۵
درصد	٪۶۳	٪۲۶	٪۵	٪۵	٪۱۰۰

ج: یافته های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه

بخش سوم به ارائه یافته های رویکردی در تحقیقات حوزه آموزش شغلی کارآفرینانه اختصاص دارد. فراتحلیل انجام شده در این بخش مبتنی بر چارچوب کلی تحلیل رویکردها و روندها است که توسط ذاکر صالحی و قانی راد ارائه شده است. این چارچوب شامل بررسی موضوعات هفت گانه ای است که عبارتند از روش های توصیه رویکرد، محتوا رویکردی، پشتونه رویکردی، زمینه رویکردها و راهکارها، نوع تغییر رویکردی، افق زمانی و سطوح رویکردی.

موضوع اول به بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر توصیه رویکردی اختصاص دارد. این رویکردها را می توان بر حسب سه دسته کلی بررسی کرد. در ادامه، هر یک از روش های دسته بندی به همراه جزئیات، مولفه ها و مبنای تئوریک آن تشریح و نتایج تحلیل داده ها در هر یک از رویکردها ارائه می شود

دسته بندی اول، به ارائه توصیه های رویکردی در قالب عوامل نهادی رسمی و غیر رسمی اشاره دارد. این رویکرد، مبتنی بر پژوهش آوارز و همکاران (۲۰۱۱) است که راه کارهای رویکردی را به عوامل نهادی رسمی (نظیر عوامل مالی، خط مشی های دولت، زیر ساخت های تجاری، خدماتی و فیزیکی، حقوق مالکیت معنوی و ...) و غیررسمی (نظیر آموزش، هنجرهای فرهنگی و اجتماعی، فرصت ها و توانایی های راه اندازی کسب و کار، تصویر اجتماعی کارآفرین، گرایش به نوآوری و ...) تفکیک کرده است. با توجه به این رویکرد، ۲۴ درصد پژوهش ها در عوامل نهادی رسمی، ۲۵ درصد در عوامل نهادی غیررسمی، ۲۲ درصد در ترکیب عوامل نهادی رسمی و غیررسمی توصیه هایی داشته اند. ۲۹ درصد از پژوهش ها نیز توصیه های سیاسی در قالب عوامل نهادی ارائه نکرده اند

دسته بندی دوم، به ارائه توصیه های رویکردی انگذار بر ایجاد فرصت ها، انگیزه ها و مهارت ها توانایی ها توجه دارد. این رویکرد، مبتنی بر پژوهش لند ستروم و استیون سون (۲۰۰۵) است که توصیه های رویکردی را برای کار آفرینی در کشورها را به عوامل انگیزشی (نظیر هوشیاری کارآفرینانه توزیع اطلاعات، الگوی نقش)، فرصت (نظیر سهولت ورود و خروج، کاهش موانع راه اندازی و رشد، رقابت، قوانین و رشکستگی، انعطاف پذیری بازار کار و مهارت (آموزش کارآفرینی، یادگیری استفاده از دانش، تخصص در کسب و کارهای مخاطره آمیز، شبکه های همتایان) تفکیک کرده است. با توجه به این رویکرد، ۱۴ درصد از راه کارها به توسعه فرصت ها، ۱۱ درصد به توسعه مهارت ها و ۶ درصد به توسعه انگیزه ها توجه داشته اند. همچنین ۳۸ درصد از پژوهش ها، ترکیبی از راهکارهای توسعه فرصت، مهارت و انگیزش را در نظر گرفته و ۳۱ درصد از پژوهش ها نیز توصیه های رویکردی در قالب این عوامل ارائه نکرده اند.

دسته بندی سوم، به ارائه توصیه های رویکردی در قالب تقویت سمت عرضه با تقاضای کارآفرینی اختصاص دارد. این رویکرد مبتنی بر پژوهش ورهال و همکاران (۲۰۰۱) است. سمت تقاضای فرصت هایی از راه تقاضای بازار برای برنامه ها و محصولات ایجاد می کند و به واسطه عواملی مانند توسعه فناورانه، تقاضای مصرف کنندگان، ساختار اقتصاد و ... تحت تاثیر قرار می گیرد. سمت عرضه نیز تحت تأثیر عواملی همچون ساختار جمعیتی، تراکم جمعیت، توانایی افراد و خصوصیات کارآفرینی آنها قرار می گیرد. با توجه به این رویکرد، ۳۵ درصد از پژوهش ها توصیه هایی در رابطه با بهبود سمت عرضه کارآفرینی، ۱۸ درصد به تقاضای کارآفرینی، ۱۵ درصد به هر دو سمت عرضه و تقاضا داشته اند. ۳۲ درصد پژوهش ها توصیه ای در این خصوص ارائه نکردن.

موضوع دوم در بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر محتوای رویکردی (ارائه راهکار و روندها) است. برای بررسی این موضوع، الگوی جامع سیاست گذاری کارآفرینی که توسط آنکتد ارائه شده، در نظر گرفته شده که شامل ۵ شاخص بهینه سازی محیط آموزشی، بهبود دسترسی به منابع مالی، ارتقای آموزش و مهارت های کارآفرینی، تسهیل انتقال فناوری و نوآوری در آموزش، ترویج هوشیاری و شبکه سازی کارآفرینانه است. ۸ درصد از پژوهش ها به موضوعات مالی، ۲۳ درصد به ارتقای آموزش و مهارت، ۷ درصد پژوهش ها به هر یک از موضوعات بهینه سازی محیط آموزشی، تسهیل انتقال فناوری و نوآوری، ترویج هوشیاری و شبکه سازی کارآفرینی، ۳۸ درصد به ترکیبی از موضوعات فوق و ۲۳ درصد پژوهش ها به هیچکدام از موضوعات اشاره ای نداشتند.

موضوع سوم، بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر پشتوانه سیاستی جامعه پژوهش است. منظور از پشتوانه سیاستی، پشتوانه نظری و فکری یا تجربی برای ارائه راهکارها و رویکردها است. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۶۸ درصد از سیاست ها و راهکارهای بیان شده در آثار تحت بررسی از پشتوانه نظری و فکری و ۳۲ درصد نیز از پشتوانه تجربی برخوردار بوده اند.

موضوع چهارم، بررسی پژوهش ها از نظر زمینه رویه ها و راه کارها است. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۷۲ درصد از رویه ها و راهکارها، تک زمینه ای و ۲۸ درصد چند زمینه ای بوده است.

موضوع پنجم، بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر نوع تعییر رویکردی است و اشاره به این دارد که راه کارها و سیاستها، نظر به تعییر ساختارها دارند یا رفتارها و کارکردها. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۳۷ درصد از سیاست ها و راهکارها به تعییرات ساختاری، ۲۸ درصد به تعییرات رفتاری کارکردی و ۳۵ درصد سیاست ها و راه کارها نیز به هر دو وجه از تعییرات ساختاری و تعییرات رفتاری کارکردی توجه دارند.

موضوع ششم، بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر افق زمانی تعییرات پیشنهادی است. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۴۲ درصد از توصیه های رویکردی در افق زمانی کوتاه مدت، ۳۵ درصد در افق زمانی میان مدت و ۲۳ درصد در افق زمانی بلند مدت قرار دارند.

موضوع هفتم نیز بررسی پژوهش ها از نظر سطوح رویکردی است که رویکرد ها را در سه سطح ملی و فرابخشی، بخشی و فردی-سازمانی ارائه می کند. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۳۴ درصد از رویکردها و راه کارها در سطح ملی و فرابخشی، ۵۲ درصد از رویکرد ها و راهکارها در سطح بخشی و ۱۴ درصد از رویکرد ها و راه کارها در سطح فردی سازمانی پیشنهاد شده است.

جدول ۱۱. تحلیل کلی یافته های آموزش شغلی کارآفرینانه

ردیف	متغیرهای تحلیلی	مقوله های تحلیلی	فرمایی	درصد
۱	سطح رویکردنی ۱	عوامل نهادی رسمی	۸	۲۴
		عوامل نهادی غیررسمی	۹	۲۵
		ترکیبی از عوامل نهادی رسمی و غیررسمی	۷	۲۲
		هیچ کدام	۱۰	۲۹
		جمع	۳۵	۱۰۰
۲	سطح رویکردنی ۲	توسعه فرصت ها	۵	۱۴
		توسعه انگیزه ها	۳	۱۱
		توسعه مهارت ها	۲	۶
		ترکیبی از فرصت ها و انگیزه ها و مهارتها	۱۳	۳۸
		هیچکدام	۱۱	۳۱
		جمع	۳۵	۱۰۰
		عوامل سمت عرضه کارآفرینی شغلی	۱۲	۳۵
۳	سطح رویکردنی ۳	عوامل سمت تقاضای کارآفرینی شغلی	۶	۱۸
		ترکیب عوامل سمت عرضه و تقاضای کارآفرینی شغلی	۵	۱۵
		هیچکدام	۱۱	۳۲
		جمع	۳۵	۱۰۰
		بهینه سازی محیط آموزشی	۴	۷
۴	محتوای رویکردنی	بهینه سازی دسترسی به منابع مالی	۴	۸
		ارتقای مولفه های آموزشی و مهارت های کارآفرینی	۷	۲۳
		ترکیب عوامل مذکور	۱۱	۳۸
		هیچکدام	۸	۲۴
		جمع	۳۵	۱۰۰
		پشتوانه نظری و فکری آموزش شغلی	۲۴	۶۸
		پشتوانه تجربی برنامه ها و دوره های آموزشی	۱۱	۳۲
۵	پشتوانه رویکردنی			

۱۰۰	۳۵	جمع		
۷۲	۲۵	تک زمینه ای	زمینه رویکردها و راهکارها	۶
۲۸	۱۰	چندزمینه ای		
۱۰۰	۳۵	جمع	نوع تغییر رویکردی	۷
۳۷	۱۳	تغییر ساختارها و چارچوب ها		
۲۸	۱۰	تغییر رفتارها و کارکردها		
۳۵	۱۲	ترکیب عوامل تغییرساختارها، رفتارها و کارکردها		
۱۰۰	۳۵	جمع	افق زمانی	۸
۴۲	۱۵	کوتاه مدت		
۳۵	۱۲	میان مدت		
۲۳	۸	بلندمدت		
۱۰۰	۳۵	جمع	سطح رویکردی	۹
۳۴	۱۲	سطح ملی و فرایخشی		
۵۲	۱۸	سطح بخشی و استانی		
۱۴	۵	سطح فردی سازمانی		
۱۰۰	۳۵	جمع		

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مطالعات آموزش شغلی کارآفرینانه در ایران انجام شده است. بدین منظور از تکنیک فراتحلیل و مرور سیستماتیک متون پژوهشی استفاده شده، فلسفه و روش شناسی، محتوا و دانش و الگوهای موجود از جنبه های مختلف بررسی و تحلیل شدند. در ادامه چشم اندازهایی در قالب پیشنهادها و توصیه های رویکردی ارائه می شوند.

با توجه به اینکه اثرگذاری آموزش های شغلی کارآفرینانه بین تمام افراد جامعه و گروه های مختلف از لحاظ سطح تحصیلات، پایگاه و طبقه اجتماعی، سطح فعالیت ومتفاوت است. توصیه می شود پژوهش های این حوزه معطوف به تمام سطوح و حوزه های جامعه باشد. چرا که علم کارآفرینی و آموزش شغلی و حرفه ای مبتنی بر آن، از نوع میان رشته ای بوده و نیازمند در نظر گرفتن جوانب مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قانونی، فناوری و سیاسی است. و از طرفی دیگر، بخش قابل توجهی از فعالیت های کارآفرینانه در جامعه توسط گروه های اقلیت از جمله زنان، مهاجران، جوانان، اقلیت های دینی و مذهبی، معلولین و ... انجام می شود در حالیکه برنامه های آموزشی قابل توجهی برای این گروه ها تنظیم نشده و به تبعیت از آن، پژوهش هایی که به طور خاص به این افراد پرداخته باشند بسیار کم و محدود است. به عنوان نمونه، زنان نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهند در حالیکه برنامه های آموزشی که به طور منسجم و مشخص به آموزش شغلی کارآفرینی زنان پرداخته باشند، وجود ندارد. بنابراین پیشنهاد می شود سیاست گذاران و محققان و برنامه ریزان آموزشی به طیفی گسترده از گروه های مختلف توجه داشته باشند.

نکته قابل توجه در تحقیقات آموزش شغلی کارآفرینانه در کشورمان، انجام تحقیقات با تخصص های متعدد و به صورت تیمی و گروهی و همچنین محورهای موضوعی متنوع است. تنوع رشته ها در پژوهش های حوزه آموزش شغلی کارآفرینانه در میان رشته ای بودن این حوزه پژوهشی تاکید دارد و انجام تحقیقات به صورت تیمی و گروهی در محورهای موضوعی متنوع، بر مشارکت هدفمند و متتمرکز محققان که این مهم، نیازمند تایید و توسعه است.

در موضوعات مرتبط با روش شناسی تحقیقات پیشین، از نظر جهت گیری پژوهش، بیشتر پژوهش ها کاربردی بوده و تنها ۳ درصد آنها به ارزشیابی برنامه ها و دوره های آموزشی اختصاص داشته اند. این در حالی است که اهمیت ارزیابی آموزش شغلی بر کسی پوشیده نیست و بدون ارزیابی این فرآیند ناقص خواهد بود. بنابراین پیشنهاد می شود تحقیقات این حوزه به ارزیابی آموزش‌های شغلی کارآفرینانه و نتایج برنامه های تدوین شده در استناد کلان کشوری همچون برنامه ششم توسعه کشور، برنامه های اشتغال فراغیر و سند برنامه درسی ملی، قانون نظام جامع آموزش و ... پردازند. با ارزیابی این برنامه ها می توان عملکرد تدوین کنندگان و اجرا کنندگان سیاست ها را پایش کرده و بازخوردهای مناسب ارائه کرد.

از نظر فلسفه پژوهش نیز بیشتر پژوهش ها در فضای اثبات گرایی و تفسیری بوده و کمتر پژوهشی با رویکرد فلسفه فرالایفات گرایی انجام شده است. با توجه به اهمیت ارزیابی و مطالعه فراتطبیقی در فرآیند آموزش شغلی، توصیه می شود پژوهش های بیشتری با فلسفه فرالایفات گرایی، به مطالعه کلان برنامه ها و دوره های آموزشی کارآفرینی انجام شوند.

از دیگر موضوعات قابل توجه در پژوهش های آموزش شغلی کارآفرینانه، افق پژوهشی است. عمدت تحقیقات این حوزه به صورت تک مقطعی بوده اند و داده های مورد نیاز برای انجام پژوهش در یک مقطع زمانی گردآوری شده است. این در حالی است که آموزش شغلی، فرآیندی پویا است و پژوهش در این حوزه نیازمند انجام یک فرآیند طولی و چند مقطعی در گذر زمان است. هر چند انجام پژوهش هایی در طول زمان، نیازمند زمان، هزینه و طی کردن فرآیند پیچیده تری نسبت به تحقیقات مقطعی است اما از آنجا که آموزش شغلی یک فرآیند است و نتایج برنامه های منظم طراحی شده در طول زمان آشکار می شود. بنابراین انجام پژوهش های طولی و چند مقطعی برای تحلیل الگوها ضروری است. در رویکردهای آموزشی آنچه اهمیت دارد، نگاه نظام مند و همه جانبه است. بدیهی است آموزش شغلی کارآفرینی معطوف به در نظر گرفتن و رشد همه جانبه بخش ها و عوامل مختلف است و توجه به بخش خاص و بی توجهی به سایر بخش ها، نتیجه ای جز ائتلاف زمان و سایر منابع نخواهد داشت.

در رویکردهای سه گانه بررسی شده نشان می دهد که در رویکرد اول، تنها ۲۲ درصد از تحقیقات، ترکیبی از عوامل نهادی و غیر نهادی را در نظر داشته و عوامل نهادی و غیر نهادی به تفکیک سه‌هم قابل توجهی از درصد پژوهش ها را به خود اختصاص داده و تنها ۲۹ درصد از پژوهش ها هیچ محوری را در نظر نگرفته است. یا در رویکرد دوم، ۳۸ درصد از تحقیقات به ترکیبی از انگیزه ها، فرصت ها و مهارت ها توجه کرده اند. اما پژوهش هایی که هیچ رویکردی نداشته اند حدوداً ۳۱ درصد بوده اند که نشان از بی توجهی به مولفه ها و شاخص های کارآفرینی در برنامه ها و دوره های آموزشی است. در رویکرد سوم نیز ۱۵ درصد از تحقیقات به ترکیب عوامل سمت عرضه و تقاضای آموزش کارآفرینی توجه کرده اند و ۳۵ درصد به تنها بی به جنبه عرضه آموزش پرداخته اند و تقاضای آموزش کارآفرینی ۱۸ درصد بوده که نشان از عدم تطابق عرضه و تقاضا است در بخش رویکرد ترکیبی، صرفاً ۱۵ درصد دو عامل عرضه و تقاضای آموزش را پوشش داده است. و ۳۲ درصد نیز به هیچ مولفه عرضه و تقاضایی نپرداخته که نشان از ضعف حوزه پژوهشی تطبیق عرضه و تقاضاست و نیازمند انجام پژوهش گام به گام هر دو جنبه عرضه و تقاضای آموزش شغلی کارآفرینانه است.

سیاستگذاری

پژوهش از رساله دکتری پژوهشگر استخراج شده است. آقای دکترحسین عبدالهی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی و دکتر جورج ایمینزی (عضو هیات علمی دانشگاه ترینیتی و سترن کانادا) برای در اختیار گذاشتن نرم افزار جامع فراتحلیل و مشورت های ارزشمند در خور تقدیر ویژه اند.

منابع

آقا محمدی، جواد. (۱۳۹۸). توسعه ویژگی های شخصیتی کارآفرینی: تحلیل محتوای کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید دوره متوسطه نظری از منظر میزان انعکاس ویژگی های شخصیتی کارآفرینی. مجله راهبرد توسعه، ۵۷: ۱۸۳-۲۰۴.

احمدپور داریانی، محمود؛ عرفانیان، امیر، (۱۳۹۳). نقش و جایگاه کارآفرینی در نیل به رشد و توسعه اقتصادی، مجله اقتصادی، سال هفتم، شماره ۵، ۲۲-۵.

اکبری، کرامت الله (۱۳۹۰). توسعه کارآفرینی. تهران: جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم.

پیکری فر، فاطمه، و مه نگار، فرشاد. (۱۳۹۱). بررسی نقش دانشگاه‌ها در توسعه کارآفرینی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب، کارهای دانش بنیان. دانشگاه مازندران.

چهاربند، اسفندیار. (۱۳۹۱). الگوی برنامه درسی پودمانی بر پایه استاندارد شایستگی حرفه‌ای و تعلیم و تربیت استثنایی، ۹۱(۱)، ۶۶-۵۱. حسین نژاد، مهدی. (۱۳۹۵). آموزش کارآفرینی، توسعه علمی، برنامه‌ای برای آینده، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در علوم فنی و مهندسی.

حکمت اندیش، علی. (۱۳۹۳). مبانی کارآفرینی، انتشارات هشت کتاب، قم.

خاتمی، علی و شاه حسینی، حامد. (۱۳۹۱). وضعیت شاخص‌های کارآفرینی در بین دانش آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کارداش. فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، ۴(۱)، ۳۲-۴۵.

دانایی فرد، حسن. روش شناسی تدوین خط مشی ملی کارآفرینی کشور، چارچوب مفهومی. فصلنامه توسعه کارآفرینی. سال ۸. شماره ۶ ذاکر صالحی، غلامرضا. قانعی راد، سید محمد مامین. (۱۳۹۴). مرور نظام مند و فراتحلیل پژوهش‌های ایرانی در قلمرو مطالعات اجتماعی علم و فناوری. فصلنامه مطالعات اجتماعی. ایران. دوره ۹. شماره ۴.

سلجوqi، خسرو. (۱۳۹۲). نقش آموزش‌های کارآفرینی در نظام‌های آموزشی و پژوهشی ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران. نامه سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۲.

سمینار طرح کاد، ۱۳۶۳، مجله پیوند، شماره ۶۰

صادقی فسایی، سهیلا و خادمی، عاطفه (۱۳۹۵). فراتحلیل پژوهش‌های بعد از انقلاب اسلامی در موضوع آمورش زنان. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۳۳.

مرادی، حوریه؛ شعبانعلی فمی، حسین؛ و کرمی، غلامحسین. (۱۳۹۰). نگاهی به ضرورت‌های توسعه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی. ماهنامه کارآفرین تاب، ۱۸: ۳۹.

نادری، احمد (۱۳۹۶). فراتحلیل مشارکت دانشجویان ایرانی، مطالعه اثربخشی عوامل تبیین کننده عینی، انگیزشی-ذهنی، فرهنگی-اجتماعی و نهادی، فصلنامه مطالعات جامعه شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۵). پایش و بهبود نظام کارآفرینی ایران. گزارش اول. شناخت وضع موجود مبنی بر شاخصه‌های GEL. معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال.

Acs, Z. J., Szerb L. & Autio E. (2016). Enhancing Entrepreneurship Ecosystems. A Systems of Entrepreneurship Approach to Entrepreneurship Policy. In: Global Entrepreneurship and Development Index 2015. Springer Briefs in Economics. Springer, Cham.

Audretsch, D. B. (2014). From the entrepreneurial university to the university for the entrepreneurial society. Journal of Technology Transfer, 39(3), 313.